

# ایران

- صاحب امتیاز:** خبرگزاری جمهوری اسلامی
- مدیر مسئول:** محمدحسن روزی‌طلب
- سردبیر:** کامیل نقی پور
- معاون فنی:** محمدملاعلی اکبری
- دبیران:** مصطفی عبوضی (سیاسی)
- مهدی مهرپور(اقتصادی) • مصطفی وتوق‌کیا(فرهنگی) • آزاده سهرابی (اجتماعی)

- بنفشه غلامی(جهان) • علی کاکا دزفولی (سیاست)
- لیدا فخری (اندیشه) • محمدرضا عزیزی(گزارش)
- زهره کشوری(زیست‌بوم) • سعید زاهدیان(ورزشی)
- مهدی کلهرزاد(اجرایی)
- حجت حکیمی (صفحه‌آرایی)
- محسن جانی پور (ویراستاری) • ابوالفضل نسایی (عکس)

- تلفن:** ۸۸۷۶۱۷۲۰؛ شماره: ۸۸۷۶۱۲۵۴؛ ارتباط مردمی: ۸۸۷۶۹۰۷۵
- پيامک:** ۳۰۰۰۴۵۱۳۳؛ روابط عمومی: **نشانی:** تهران خیابان خرمشهر،شماره ۲۰۸
- صندوق پستی:** ۵۳۳۸۸-۱۵۸۷۵
- چاپ:** چاپخانه‌های همشهری، شرکت چاپ جام‌چم
- سازمان آگهی‌های روزنامه ایران:** دارنده گواهینامه ایزو ۹۰۰۱ از شرکت NISCERT
- پذیرش سازمان آگهی‌ها:** ۱۸۷۷۲(۰۲۱)
- انتشارات مؤسسه فرهنگی مطبوعاتی ایران:** ۵-۸۸۵۴۸۸۹۲



در قیامت چون نمازها را بیازند، در ترازو نهند و روزه‌ها را و صدقه‌ها را هم چنین؛ اما چون محبت را بیاورند، محبت در ترازو نکند، پس اصل محبت است. اکنون، چون در خود محبت می‌بینی، آن را بیفزای تا افزون شود!

**فیه مافیہ**



**سخن‌روز**

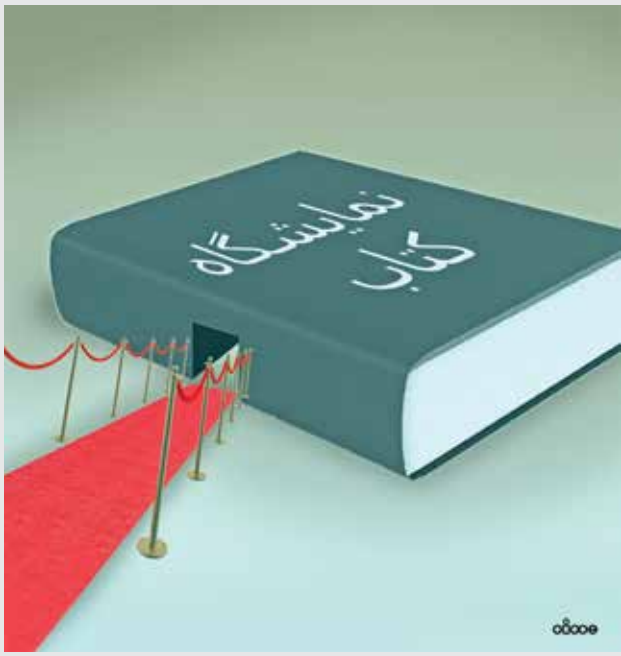
**امام حسین (ع):**

پروردگار!! آن که تو را نیافت، چه یافت و آن که تو را یافت، چه از دست داد.

بحار اتوار، ج ۹۵ ص ۲۲۶

### نگاره

## میزبانی نمایشگاه کتاب تهران از مردم



## فضای مجازی

صحبت‌های وحید اسداللهی درباره موسیقی اقوام ایران در رادیو سوینا، پیشنهاد جالب انتشارات روزبهان برای کتاب‌های رزمی و خاطره‌گویی هوشنگ گلمکانی از یک روز به یادماندنی رفیق بازنشسته‌اش، از اخبار حوزه فرهنگ و هنر دنیای مجازی است.



بیانات آقا از ابتدای رهبری تا پایان شهریور ۹۵ را خواندم و مضامینی که در مورد نفوذ و نفوذی وجود، استخراج کردم. محتوا را دسته‌بندی کرده و نمودار درختی محتوا را کشیدم و بعد محتوا را تحلیل کردم. تفاوت این کتاب و دیگر آثار درباره نفوذ در این است که این کتاب حاصل مطالعه کامل بیانات حضرت آقا است و نه حاصل جست‌وجوی اینترنتی در سایت‌های نشر سخنرانی رهبر انقلاب. دیگر اینکه کتاب فقط سخنان آقا نیست و تحلیل و دسته‌بندی بنده از موضوع هم اضافه شده است.
»



زخمی را ۴۰ بار درصد تخفیف به فروش می‌رساند.



و آندره بود و تا آخرین روزهای حیاتش افتخار داشتمم آثارم را بنوازد. روحش شاد.»

مصطفی مستور نویسنده کتاب «روی ماه خداوند با بوس» در صفحه اینستاگرامش از بزرگترین کارگه نویسندهگی خلاق در جنوب کشور خبر داده که با همکاری دانشگاه شیراز برگزار می‌شود و تدریس در این دانشگاه را برعهده دارد.

### موسیقی برای همه مردم است

محسن شریفیان هم به سومین اپیزود از سومین فصل برنامه ضرب‌اهنگ با معرفی و بررسی موسیقی نواحی مختلف ایران از رادیو سوینا اشاره کرده که قسمت اول آن به گفت‌وگو با استاد وحید اسداللهی، نوازنده و موسیقیدان اختصاص داشت. اسداللهی با ارکسترهای موسیقی در جمهوری آذربایجان همکاری داشته و به عنوان نخستین تکنواز خارجی نقاره در ارکستر فیلارمونیک باکو عضویت دارد. او برنامه‌های متعددی را در کشورهای مختلف نظیر کانادا، آمریکا، فرانسه، آلمان و ایتالیا اجرا کرده است. برخی از او به عنوان پدر نقاره ایران یاد می‌کنند. وحید اسداللهی در این گفت‌وگو می‌گوید: «ما به سنتی این موسیقی را نگاه داشتیم، از زندگی‌مان گذشتیم اما به راحتی در حال حذف شدن است. موسیقی را خودی و غیرخودی نکنید؛ موسیقی برای همه مردم است.»

### همین چند نفر

هوشنگ گلمکانی با انتشار تصویری دسته‌جمعی از یک روز خاطره‌انگیز به مناسبت بزرگداشت دکتر شهاب‌الدین عادل که به بهانه بازنشستگی‌اش در دانشکده سینما تئاتر برگزار شد، در این باره نوشته: «در این مراسم ما و چند نفر از همکلاسی‌های او، عده‌ای از استادان و کارکنان و دانشجویان دانشکده شرکت داشتیم. او البته برای من همان چهل‌پنجاه سال پیش است؛ حتی اگر بعدها دکتر و رئیس دانشکده شده باشد. هر کدام آمدیم و خاطراتی از او گفتیم. من گفتم که در مهر سال پنجاه‌وپنج، بجز جهانگیر کوثری که او را به عنوان فوتبالیست می‌شناختم، شهاب اولین همکلاسی بود که با او آشنا شدم. هر دو بچه شهرستان بودیم؛ من از شمال آمده بودم و او از جنوب. اولین سؤال هم این بود: «تنگنا را دیده‌ای؟ دوست داریم؟!» و جواب مثبتش آغاز پیوندی محکم بود… بازنشستگی البته جشن گرفتن ندارد و در سن و سال ما معنایش خوشایند نیست، ولی این مراسم خودمانی بهانه‌ای بود برای تجدید دیدار با برخی از همکلاسی‌ها که در این عکس کنار شهاب ایستاده‌ایم؛ فرهاد توحدی، رضا نبوی، رضا ناصری، رضا دانی و حسن آقاقریمی همراه با استادان شیرین بزرگمهر و احمد ضابطی جهرمی. چنانگیر هم در مراسم بود.

## نقل قول



**مجید مجیدی**
کارگردان سینما

## پیشنهاد

نگاهی به کتاب «جنگ سوریه به روایت اسناد سری»

## شرح جنگ سوریه از نگاه بشار اسد

شاید خیلی از شما که مسائل و چالش‌های خاورمیانه را دنبال می‌کنید گاهی این سؤال را از خود پرسید که مثلاً در جنگ سوریه آیا اسد واقعاً مسبب شروع جنگ و طولانی شدن آن در کشورش بود یا اینکه او سوریه و محور تحت لوایش را که موسوم به «محور مقاومت» است، از آنچه بدتر است منع کرد؟ شاید کسی از شما بپرسد که چه کسی این همه سلاح را از ماه‌های اول این وقایع وارد سوریه کرد و چگونه و از چه زمانی؟ چه کسی برای جنگ در تمام صورت‌های نظامی و سیاسی و رسانه‌ای آن از ابتدا آماده می‌شد؟ آیا این فقط نتیجه سوء رفتار امنیتی بود یا یک اشتباه برآورد سیاسی بود؟ و آیا طرح‌های تخریب برنامه‌ریزی شده، با صرف نظر از اینکه نظام و مخالفان نوپا چه خواهند کرد، آماده بودند؟

سامی کلیپ در کتاب «جنگ سوریه به روایت اسناد سری» نه تنها به این سؤالات جواب می‌دهد بلکه نمایی جزئی از هرآنچه جنگ سوریه به آن وابسته است ارائه می‌دهد و ریشه‌های شروع این جنگ و ملحقات آن را مورد تحلیل و بازبینی قرار می‌دهد و اسناد مهم و گفت‌وگوهای راه‌گشایی پیش روی مخاطب می‌گذارد تا او را قدم‌به‌قدم به درک بهتری از جنگ سوریه و پیش و پس نیازهایش نزدیک کند. «کلیپ» در این کتاب که به تازگی از سوی «انتشارات سوریه» منتشر شده توضیح می‌دهد که «آنچه از تابستان ۲۰۱۱ در ایران رخ داد یک زلزله به تمام معنا بود در کشوری که نزدیک به ۲۰ سال با فکر یک مرد، حافظ اسد و با ذهنیت افراط گرایی، که مانع بسیاری از آزادی‌ها شد، پیش رفت. اما این ذهنیت عصر کودکانها را متوقف کرد و سوریه را در ضمن کشورهای دارای نقش محوری در منطقه و جهان قرار داد. همچنین این ذهنیت به سوریه امکان داد تا از لحاظ امنیتی با ثبات شود و از لحاظ اقتصادی از خود حمایت کند و به فرزندانش امکان آموزش و درمان رایگان دهد. بدون اینکه بر خودش یار بدهی خارجی را تحمیل کند که این خود در منطقه‌ای که از آشفنگی‌های امنیتی، سیاسی و اقتصادی رنج می‌برد، یک دستاورد بود.» از طرف دیگر در این کتاب، گزارش‌های محرمانه‌ای وجود دارد که نویسندگان، مورخان، اهالی رسانه و سیاستمداران را در مقابل حقایق دیگری، غیر از آنچه که از زمان آغاز جنگ در سوریه و ضد آن شنیده‌ایم، قرار می‌دهد و در آن چیزهایی است که از تحلیلات در مطالعه به دور و به عنینت نزدیکتر است، که به ما این امکان را می‌دهد که بگوییم بسیاری از آنچه تاکنون گفته شده بیشتر به احساسات، غرایز، مصلحت‌ها و واکنش‌ها مربوط می‌شود تا واقعیت‌هایی که رخ داده و در حال رخ دادن است.

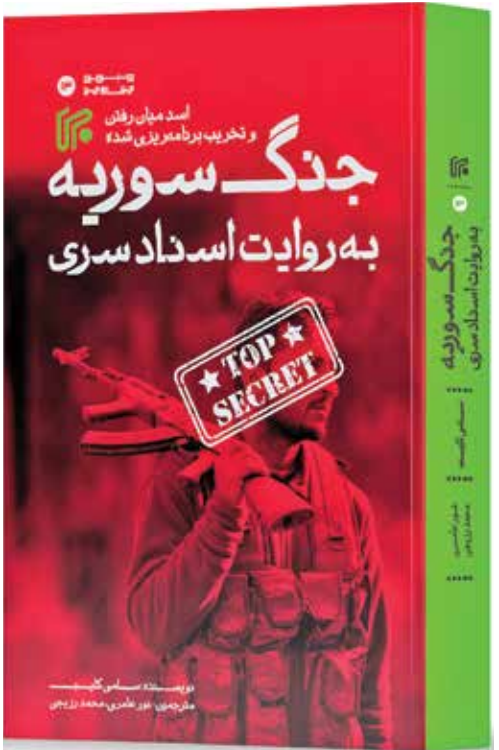
«جنگ سوریه به روایت اسناد سری» در واقع تلاشی است برای شرح جنگ از طریق شخصیت و نقش رئیس جمهور بشار اسد و همچنین از طریق گزارش‌ها و اسناد محرمانه و مصاحبه‌های متعدد با طرف‌های درگیر در داخل و خارج از کشور، که بخشی از ابهامات بسیاری که تا زمان تهیه این کتاب همچنان سیاستمداران، نویسندگان و مورخان را در برابر‌بازترین سؤال قرار می‌داد، روشن می‌کند. در این کتاب سعی بر آن است که تسلسل رویدادهای محلی، منطقه‌ای و بین‌المللی که منجر به این ناپودی برنامه‌ریزی شده سوریه، با مردم، ارتش، فرهنگ و تمدنش شده است، شرح داده شود. اما در آن همچنین به برخی از اتاق‌های تاریک و اسرار ملاقات‌ها، بحث‌ها و نقشه‌هایی که هدف از آنها انتقال سوریه از نقش محوری‌اش در خاورمیانه به شکل و نقشی که هنوز مبهم است و هنوز هم با خون مردم سوریه ترسیم شده است، ورود و

## مکت

## ستاره‌ای به نام محمدصادق

اطلاع‌رسانی به جامعه در خصوص مدل رفتاری و ارتباط با جامعه سندروم داون، کمک بسیار زیادی به این گروه می‌کند. یکی از تلاش‌های ما در کانون سندروم داون، تغییر نگرش جامعه نسبت به این افراد بوده‌است که فکر نکنند این یک بیماری است یا تعامل با این افراد نیاز به مراقبت یا حساسیت دارد. سندروم داون خلقت خداوند است با یک کروموزوم اضافه که ما آن را به نام کروموزوم عشق و مهربانی می‌شناسیم چرا که این افراد بسیار مهربان، خالص و صادق هستند. یکی از وظایف رسانه‌ها، به خاطر داشتن مخاطبان بی شمار، ایجاد آگاهی و اطلاع‌رسانی در خصوص این افراد است. بنابراین انعکاس تصویری خوب و درست از این گروه‌ها بسیار مهم است. باید اطلاعات اصلاح شود و نگاه درست‌ی نسبت به این افراد در جامعه جریان داشته باشد.

در سریالی که اخیراً به این موضوع پرداخته است به نام «رهاییم کن» یکی از بچه‌های ما به نام محمد صادق بازی می‌کند. این سریال در ساختن تصویری درست و محترم از کودکان این گروه، بسیار کمک‌کننده است و خوشبختانه برخلاف برخی دیگر از تولیدات تصویری، بدون هیچ‌گونه نگاه ترحم‌آمیز به این قشر، ساخته شده است. در واقع پرداختن به سندروم داون در این اثر نمایشی با نگاهی مثبت و مؤثر انجام شده است و ما از این بابت بسیار خوشحالیم. جامعه باید آگاه شود و بداند که اگر این افراد با آموزش مناسب و تحت توجیخی باشند، بسیار توانمند و مستعد خواهند بود. اینکه فیلمسازان ما در فیلم و سریال‌هایشان، یک جایگاه مناسب را به این کودکان اختصاص دهند، هم به آموزش جامعه کمک می‌کند و هم به عادی‌سازی حضور اجتماعی این افراد و همین‌طور به نمایش استعدادهایشان. تعداد قابل توجهی از فیلم و سریال‌های ما به این موضوع پرداخته‌اند اما متأسفانه همه آنها به این گروه نگاه مثبت نداشته‌اند. خوشبختانه، ره‌ایم‌کن تا بدین جا توانسته تصویر خوب و مناسبی از کودکان سندروم داون ارائه بدهد، کما اینکه هنوز هم می‌تواند بیشتر و بیشتر به توانایی‌های محمدصادق به‌عنوان نماینده این کودکان بپردازد. لازم می‌دانم که به‌طور ویژه از عوامل این سریال و بخصوص از محسن تانبنده، تشکر کنم که تعامل بسیار خوبی با محمدصادق داشته است، به طوری که گاهی حتی فرض می‌شود صادق پسر واقعی اوست. تعامل محبت‌آمیز و درست و توأم با احترام آقای تانبنده با محمدصادق، به خوبی ارتباط بین این پدر و پسر را شکل داده است تا جایی‌که تصویری واقعی دارد و تصور نمی‌شود که این رابطه، نمایشی است. این تعامل خوب، تأثیر بسیار زیادی روی جامعه سندروم داون و بخصوص خانواده‌هایشان دارد و تصویری از ارزش و احترام به فرزندان‌شان را منعکس می‌کند که خبر از درک و احترام تفاوت و این گروه با افراد عادی در جامعه می‌دهد.



سعی کردیم از تعارف‌ها بی‌اراضی کردن هر طرف دوری کنیم زیرا می‌خواهیم این کتاب سندی برای تاریخ بماند، بنابراین هرچقدر هم که حجم توطئه بزرگ باشد، بازهم بازیکنان سوریه، با صرف نظر از میزان مسئولیت هر طرف، می‌توانستند که در باز کردن درهای میهن خود به سوی هر موج سیاسی مجال ندهند. « کتاب در فصل‌های مفصل اما به‌هم پیوسته سیری تاریخی را دنبال می‌کند و اولین قدم و فصل را از گذشته شدن باسل و درگذشت حافظ اسد شروع می‌کند و به جنگ سوریه و متحدان و دشمنانش می‌رسد و اسناد و منابع این جنگ را روی میز می‌گذارد و مخاطب را به شناخت بهتر از جالش جنگ سوریه دعوت می‌کند و در بخشی دیگر از توطئه‌های اسرائیل و آمریکا علیه سوریه کلی می‌نویسد. خواندن این کتاب را می‌توان به همه آنها که عاشق مطالعه جالش‌های خاورمیانه و بازیگران جدی آن هستند پیشنهاد کرد؛ کتابی که نویسنده‌اش یکی از مطرح‌ترین مهری‌ها و کارشناسان حوزه خاورمیانه است. سامی کلیپ ملیتی لبنانی و فرانسوی دارد و بین سال‌های ۱۹۹۰ تا ۲۰۶ چندین سمت رسانه‌ای را در فرانسه برعهده داشت که برجسته‌ترین آنها سردبیری رادیو بین‌المللی فرانسه و مونت کارلو بین‌المللی و مشاور رئیس هلدینگ رسانه فرانسوی برای جهان عرب بود. کلیپ بیش از ۲۵ سال است که گوینده، مجری برنامه، خبرنگار جنگی و سیاسی است و در این مدت برجسته‌ترین جنگ‌های جهان و رویدادهای آنها را پوشش داد.

## نشر

## جنون در نمایشگاه کتاب

در عربی ضرب‌المثلی است که می‌گوید: «المسافر کالمجنون؛ مسافر همانند دیوانه‌هاست.» به نظر من یکی، که خیلی هم حرف با ربط و پخته‌ای است و هر کس مسافرت دور و دراز رفته باشد، می‌داند همین که آدم بارش را از مبدأ می‌بندد، چه در مسیر و چه در مقصد، مثل بچه‌ای که وسط شلوغی بازار مادرش را گم کرده، گیج می‌زند.

باید ضرب‌المثلی بسازند از اوضاع ناشران در چند روز نمایشگاه کتاب که مضمونش همین باشد.

چیزی در ماه‌های «نمایشگاه کتاب برای ناشران مستی و جنون می‌آورد.» چیزی که توضیح بدهد، ناشران در روزهای نمایشگاه دیوانه‌اند و مثل مشت‌خورده‌ها به خودشان می‌پیچند، نه به‌خاطر هول و ولای برپایی و چیدمان غرفه و فروش و مشاوره و ارتباط گرفتن و این‌ها! بلکه در تلاطم دریای موج نمایشگاه چیزهایی می‌بینند و لمس می‌کنند که گویی می‌آورد. مثلاً دیدن هم‌صنفانی که از اساس



بر طریق دیگری می‌تازند؛ دیدن خیل آدم‌هایی که از تو به کاری که می‌کنی بیشتر محیط و مشتاق‌اند و آمده‌اند دنبال کتاب‌هایی که تو یا آنها را در آورده‌ای یا قرار است بعداً تجدید چاپشان کنی یا بهترش را آماده کنی؛ نقد می‌شنوی، گلایه و غر تحمل می‌کنی، اظهار محبت می‌بینی، آدم‌های تازه و قدیمی زیارت می‌کنی و نتت را حسابی به آب دریایی می‌زی که فکر می‌کردی وسطش قرار داشتی. همه اینها نشان می‌هد نمایشگاه کتاب برای ناشرجماعت فقط فروشگاه نیست. الان هم بنا دارم روی این نکته پافشاری کنم که بیایم «نمایشگاه کتاب» را به «رویداد فروش فصلی کتاب» کاهش ندهیم.

باور دارم که نمایشگاه کتاب فقط جای عرضه و خرید کتاب نیست. نباید این بردمایی درشت و پرچرزیات را تا‌ح حد روزبازاری که تازه‌فروشان در آن بساط کرده‌اند، پایین بکشیم. کتاب چه تازه چه نایب، از غیر نمایشگاه هم پیدا می‌شود؛ ولی دیگر امورات جز در این برنامه در دسترس نیست. همین دیدار تازه‌کردن‌ها با اهالی نشر، چاق‌سلامتی با خوانندگان حرفه‌ای، نشست‌های ریز و درشت کتابی و نشری، کارچاق‌کنی‌های سریایی، آشنایی‌های هول‌هولی، سردرآوردن از خط و ربط نشرها و نویسنده‌ها و ارگان‌ها، تعارف وعده‌های سرخرمنی و هزار تا اتفاق کتابی پیدا و پنهان دیگر است که اساس نمایشگاه کتاب بر آن استوار شده.

نمایشگاه کتاب و جو سوار بر آن توان دارد؛ نشری را از زیر خاک بیرون بکشد، جوان نورسنه‌ای را پر از رؤیای نوشتن کند، مخاطبی را سر ذوق خواندن کروزرکور کتاب بیاورد، نویسنده گونه‌کاری را دوباره مبتلا کند و روحی تازه در رگ‌های کتاب و کتابخوانی بدمد.

کتابخوان‌ها با دیدن نمایشگاه کتاب و جو در جریان آن چیزهایی دستگیرشان می‌شود. همین که می‌بینند این همه آدم و دم و دستگاہ با این شوق و شلوغی دور کتاب می‌چرخند، برایشان معنای واقعی بودن کتاب و کتاب‌نویسی و کتابخوانی را روشن تر می‌کنند. بهتر درمی‌یابند جای درستی از زیست فرهنگی ایستاده‌اند. اینجاست که درک می‌کنند نمایشگاه کتاب فقط جای خرید کتاب نیست، جای جنون و عشق‌بازی با کتاب است.

## عکس نوشت



پنجاه بدر آیین سنتی و قدیمی مخصوص مردم شهر قزوین است که به پاس بارش‌های بهاری، پنجاهمین روز سال یا فصل بهار را در طبیعت سری می‌کنند. این جشن در ۱۹ اردیبهشت ماه، پنجاه روز بعد از تحویل سال جدید شمسی برگزار می‌شود. خوردن غذاهایی از جمله آش رشته و دیم‌اج و تنقلاتی چون آجیل و شیرینی باقی‌مانده از عید نوروز، بخشی از رسوم پنجاه بدر در شهر قزوین است. «مهر» گزارش تصویری از این آیین منتشر کرده است.